

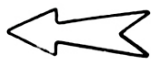
«بیراهه»

در پاسخ به «کژراهه»

□ نویسنده: عبدالله برهان.

ناشر: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

احسان طبری برای همه کسانی که به نحوی با مسائل سیاسی و اجتماعی و تحولات فکری معاصر ایران درگیر بوده‌اند یا با این مسائل کم‌وبیش آشنائی دارند، نامی آشناست. وی فعالیت سیاسی را قبل از جنگ دوم جهانی آغاز کرد و در عتفوان جوانی همراه ۵۲ تن از روشنفکران چپ توسط رضا شاه به بند کشیده شد. شهرت و اعتبار افرادی از این ۵۲ تن، همچون دکتر ارانی، خلیل ملکی، بزرگ علوی... و اهمیت حادثه از نظر زمان و مکان و مقولات دیگر، احسان طبری را در شمار چهره‌های سیاسی و اجتماعی ایران قرار داد و برخی از حوادث تاریخی به ویژه سقوط رضاشاه و ظهور افکار و اندیشه‌های نو و تأسیس حزب توده و نظائر آنها شهرت طبری را افزایش بخشید. او در حزب توده به سرعت از پله‌های ترقی بالا رفت و طولی نکشید که در شمار رهبران حزب قرار گرفت؛ در دوران اختناق و تعطیل حزب توده به کشور شوراهای پناه برد و در پشت پرده آهنگین سنگر گرفت. پس از انقلاب اسلامی از پرده بیرون آمد و بار دیگر فعالیت سیاسی را در ایران آغاز کرد.



ناامنی و جنگ داخلی (میان اقوام متعلق به یک مذهب و یک تمدن؛ افغانستان را ببینیم) موجب خواهد شد که عده‌ای از این سرزمین‌ها بطور غیرمجاز به جانب مناطق آبادتر و امن‌تر روی ببرند، و حدت موج طوری باشد که جلوگیری از آن بسیار دشوار گردد. در کنار این جریان که تا حدی مسالمت‌آمیز است، جریان تروریسم و خشونت نضج خواهد گرفت. ظهور روزافزون گروه‌های مافیائی - که کسب امتیاز از راه‌های انحرافی می‌طلبند - نیز جای خود دارد.

نویسنده در نتیجه‌گیری خود خواسته است به غرب هشدار بدهد که در برابر رویارویی دو تمدن مهم - که آنها را کنفوسیوسی و اسلام می‌خواند - چاره‌جو باشد. اولی از لحاظ صنعت و اقتصاد و دومی از لحاظ اعتراض و به‌باخاستگی. ولی راه مقابله‌ای را که پیشنهاد می‌کند، کارساز نیست. تنها راه - هر چند آرمانی بنماید - تفاهم میان تمدن‌هاست نه تقابل. منظور آن است که کوشش در جهت موازنه و هماهنگی صورت گیرد: در همه تمدن‌ها جرثومه‌های خوبی و بدی هر دو وجود دارد. در دنیائی که در پیش رو داریم - و بیش از آن کوچک شده است که یک نقطه از تأثیر نقطه دیگر برکنار بماند - راهی جز یک چاره‌جویی همگانی و متمرکز نیست. اگر بپذیریم که می‌شود کاری کرد، باید به سراغ ریشه‌های گزند رفت چون: افزایش بی‌تناسب جمعیت، تراکم شهرها، آلودگی محیط زیست، بیداد اقتصادی. و در مقابل، توجه به آموزش اخلاقی در معادله با روی بردن به لذت‌های حسی، گسترش نوعی معنویت که مورد نیاز انسان است و مشترک میان همه فرهنگ‌هاست، و برقراری رابطه دوستانه‌تر با طبیعت.

نویسنده در دفاعی که از غرب دارد، به نارسائی‌های درونی غرب توجه نمی‌کند که از استیلای تمدن صنعتی ناشی شده است. آقای برژنسکی در نقد خود بر همین مقاله، اشاره به آن دارد، و البته پیش از او هم ده‌ها متفکر در سراسر جهان در گفتارها و یا کتابهای خود به آن پرداخته بودند. بشر غربی از دو نیاز مادی و معنوی، و زنه نخستین را بسیار سنگین‌تر کرده است، به این امید که همه مسائل حیاتی خویش را در پرتو آن حل کند، و اکنون نشانه‌های متعدد می‌نمایند که بار زندگی با این روال رو به کژی دارد و به منزل نمی‌رسد. همین مشکل بود که در جهت دیگر، کمونیسم را در شرق اروپا با شکست روبرو کرد.

دی ۱۳۷۲

بقیه از صفحه ۵ کدام رویارویی... روزافزون درآینده اهمیت خواهد یافت. می‌تواند یک پوشش دفاعی و یک وسیله چاره‌جویی باشد برای رفع مشکلاتی که دنیای غیر غرب با آن روبروست. ولی این بدان معنا نیست که خود تمدن منشأ رویارویی باشد. اگر ملت‌ها، بفرض، مخیر شوند که تمدن خود را به صورتی درآورند که موجد آبادانی، رونق، رفاه و آزادی شود آیا ابا خواهند داشت که آن را درگرون کنند؟ وسیله را با هدف اشتباه نگیریم. بشر موجود با انعطافی است. مقصد و مقصودش ادامه زندگی و شکفتگی وجود از طریق گشایش مادی و معنوی است. هر وسیله‌ای را که برای این منظور مفید بداند به کار می‌برد و به هر دستاویزی دست می‌زند. آگاهانه یا به انگیزش وجدان ناآگاه. معلوم نیست که همواره در انتخاب دستاویز تشخیص درست داشته باشد، ولی کوشش خود را می‌کند، از اشتباه خود باز می‌گردد، حتی ممکن است به اشتباهی دیگر بیفتد. ولی پیوسته راه‌جوست. یک تمدن زمانی می‌تواند نام تمدن به خود بگیرد که متحرک و پویا باشد. در سیر بودن، نشانه پذیرفتن تغییر است، انطباق با مقتضیات و احتیاجات.

برخورد دو موج سنت و صنعت در کشورهای جهان سوم، خواستن و دست نیافتن را همراه آورده، که گسترش ارتباط‌ها و اطلاعات بر حدت آن افزوده. این وضع دو نوع واکنش ایجاد کرده: یکی از جانب کشورهای که نمونه بارز آنها چین و کره جنوبی است، و اینان راه نجات را در صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی می‌بینند، به هر قیمت و به هر روش که شده، به شرط آنکه با توفیق همراه باشد. اینان سر خود را پائین انداخته‌اند، و به سیاست جهانی تا همان حد که به پیشرفت اقتصادی و امنیتشان لطمه نزند، علاقه نشان می‌دهند.

واکنش دوم در بعضی از کشورها به صورت رهائی‌طلبی و عصیان بروز کرده است که این نه از تمدن، بلکه از نارسائی‌های تمدن کشورهای صنعتی سرچشمه می‌گیرد. در هر کشور و در میان هر تمدنی، کسانی خواهند بود، به تعداد نسبتاً زیاد، که از نظم کنونی جهان به تنگ آمده باشند، و به آخرین چاره‌جویی که چاره‌جویی خشونت‌آمیز است دست بزنند. در این صورت، هیچ نقطه از جهان از جمله غرب، در امان نخواهد ماند. دنیا به راهی می‌رود که در آن آرامش و امنیت تفکیک‌ناپذیر بشوند. افزایش جمعیت در کشورهای فقیر،

در این برهه از زمان بر بسیاری از افکار و آراء پیشین خود در زمینه مذهب و نقش آن در تحولات سیاسی و اجتماعی خط بطلان کشید و با انتشار جزوه‌ها و کتابهائی نظیر «۱۸ سال پشتیبانی از خط امام» خود و همفکرانش را پیرو امام و ولایت فقیه معرفی کرد!

این نخستین بار نبود که وی راه خود را عوض می‌کرد. او مدتی پس از کودتای ۲۸ مرداد شاه - زاهدی به اشتباه! خود و یارانش در زمینه اتهامات وارده از سوی حزب توده به دکتر مصدق و زدن برچسب عامل امپریالیسم به او اعتراف و طلب بخشایش کرده بود. پیروی او از خط جدید که شاید از اصل خدعه‌ای بیش نبود دیری نماند زیرا به عنوان یکی از افراد کادر رهبری مسئولیت شرکت در توطئه‌ای نافرجام علیه جمهوری اسلامی و شخص امام را به دوش کشید و به زندان افتاد.

درباره کتاب او «کژراهه» سخن بسیار گفته شده و مقالاتی نیز در نقد کتاب قلمی گردیده، اما با توجه به نقش طبری در مقام رهبری حزب توده، حزبی که بسیاری از ناکامیها و شکستهای ملت ایران به آن نسبت داده می‌شود، و با در نظر گرفتن موقعیت او به عنوان یک زندانی سالخورده و پشیمان که آخرین روزهای عمر را میگذرانده و قاعدتاً در چنین روزهایی می‌بایست از دروغ و خدعه دوری جسته باشد، برای کژراهه می‌توان اهمیت بیشتری قائل شد: فرض بر این است که او در چنین شرایطی به تألیف کتابی مبادرت کرده که هر سطر آن را مورد بررسی دقیق و داوری درست قرار داده تا نقطه ابهامی برای آیندگان باقی نماند و سره از ناسره مشخص گردد.

عبدالله برهان بلافاصله پس از انتشار کژراهه، در زمان حیات طبری، به نقد آن پرداخت اما انتشار کتابش با مشکلی روبرو شد که مدت چهار سال علاقمندان به مطالعه پاسخ کژ راهه را در انتظار گذاشت.

نویسنده «بیراهه» بسیار کوشیده است با تکیه بر اسناد و مدارک و شواهد معتبر، کژی‌های «کژراهه» را نشان دهد و باید اعتراف کرد که تلاش و کوشش او تا حدودی قرین توفیق بوده است.

برای همه کسانی که تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را گام به گام دنبال کرده‌اند، عدم صداقت طبری در «کژراهه» چنان روشن و آشکار است که جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌ماند. او افرادی را که در برابر مطامع رهبران شوروی سابق و کژیها و بنادرستیهای حزبی توده بهاخته بودند ولی امروزه در صحنه نیستند، با همان حره‌های زنگ خورده و ابزار فرسوده استالینی می‌کوبد و با خدعه و ترفند تلاش می‌کند برای هزارمین بار - اما آخرین بار در زندگی خود - انگ «عامل امپریالیسم» به آنان بچسباند. به عنوان مثال، می‌کوشد خلیل ملکی را به نسل جوانی که کوچکترین شناختی از او ندارند، از عوامل امپریالیسم معرفی کند درحالی که جز تأیید

دکترین ملکی مبنی بر انحراف شوروی از مبانی سوسیالیسم و قبول پیشگویی علمی وی در مورد فروپاشی امپراطوری بوشالی پرولتاریا چاره‌ای نمی‌بیند. اما افرادی از همگامان ملکی را که تا آخرین لحظه حیات به پیروی از او و همگام و همراه وی در چند جبهه مبارزه می‌کردند و امروز با توجه به برخی ویژگیها مورد احترام هستند، به ناچار مورد تأیید و ستایش قرار می‌دهد. در این مورد باید از مطالبی که وی درباره جلال آل احمد نوشته یاد کرد. جلال که یکی از پایه‌گذاران انشعاب از حزب توده بود، حدود ۲۲ سال یعنی تا لحظه مرگ زودرس خود، از یکسو در برابر خود کامگی نظام شاهنشاهی، و از سوی دیگر در مقابل انواع تهمت‌های ناجوانمردانه حزب توده مردانه ایستاد و از زندان و شکنجه و تهمت‌های عوامل شناخته شده سفارتخانه‌ها نهراسید. هم او بود

که در داستان «خدایارخان» نقاب از چهره طبری برداشت و او را آنچنان که بود معرفی کرد. اما افسوس نسل جوانی که امروز «کژراهه» را می‌خواند جلال را درست نمی‌شناسد و اگر هم بشناسد یقیناً «خدایارخان» را به جا نمی‌آورد؛ با احسان طبری از خلال سطور «کژراهه» آشنا می‌شود و با خدایارخان یعنی طبری واقعی همچنان بیگانه می‌ماند. نسل جوانی که «کژراهه» را می‌خواند، سنسش مقتضی نیست بداند جلالی که امروز مورد ستایش احسان طبری است روزی به عنوان «نوجه سارتر در ایران» بازپچه تمسخر او بوده! آری نسل جوانی که امروز به مطالعه کژراهه می‌پردازد تصور می‌کند آنطور که طبری در این «کژنامه» نوشته، دکتر مصدق در عروج رضاخان دست داشته (صفحه ۱۶۹ کژراهه) اما این نسل در ۱۷ اسفند ۱۳۲۲ هنوز چشم به دنیای پر از فریب نگشوده بود که قضاوت روزنامه رهبر ارگان حزب توده را در مورد دکتر مصدق بدین گونه بخواند: «دکتر مصدق این مرد مال اندیش بی‌غرض و با عقیده در آغاز سلطنت پهلوی هم طی یک نطق دلآورانه و مهیج، ملت را به آینده‌وخیمی که در پیش است متوجه کرد.»

«بیراهه» با طرح این مسائل و نقل این نوشته‌ها بسیاری از کژیهای «کژراهه» را نشان داده، اما در بخش قابل توجهی از کتاب، مسائل و تجزیه و تحلیل‌ها برای نسل جوان گنگ و مبهم است. آنچه بیراهه می‌نویسد، برای خواننده آگاه به مسائل و تحولات سیاسی و اجتماعی ۵۰ سال اخیر ایران گویا و قابل فهم و درک است اما برای نسل جوان و ناآشنا به مسائل و تحولات سیاسی و اجتماعی ۵ دهه گذشته در مواردی گنگ و تاریک می‌باشد. نویسنده «بیراهه» می‌بایست از تفصیل نمی‌هراسید و با شرح کامل وقایع و نقل مندرجات «کژراهه» خواننده جوان را کاملاً روشن می‌ساخت و با حوصله و تأمل زیاد او را به داوری می‌نشانند.

عدم صداقت «کژراهه»، نویسنده «بیراهه» را چنان ناراحت و آشفته ساخته که آشفتگی نویسنده به کتاب

نیز سرایت کرده است بطوری که گاه نظم و ترتیب در فصل‌بندی و تقدم و تأخر صفحات مرجع را در پاسخ به آنها فراموش می‌کند؛ گو این که فصل‌بندی در اصل از ترتیب علمی و منطقی دور افتاده است.

در «بیراهه» به نوشته‌های دکتر انورخامه استناد شده است. وی یکی از ۵۳ تن زندانی زمان رضاشاه است که همراه خلیل ملکی و جلال آل احمد و دیگران از حزب توده انشعاب کرد و در سالهای اخیر خاطرات سیاسی خود را به رشته نگارش کشید. این اثر را به حق باید یکی از آثار ارزنده تاریخ سیاسی معاصر ایران بشمار آورد اما آقای انورخامه در شرح برخی از ماجراهای انشعاب دچار فراموشی شده و نوشته‌اند که مدت کوتاهی پس از انشعاب راه ایشان از خلیل ملکی و آل احمد جدا شد، همچنین درباره تأسیس جمعیت رهانی کار و اندیشه و برخی ماجراهای دیگر... توضیحی نداده‌اند. و جای شگفتی است که آقای برهان نویسنده «بیراهه» نیز که می‌بایست به این مسائل اشاره نماید به آنها توجهی نکرده است درحالی که به ظن قوی و آنچنان که از کتاب او برمی‌آید، خود همان زمان در صحنه سیاسی کشور بوده یا حداقل در شمار شاهدان عینی آن ماجراها قرار داشته است.

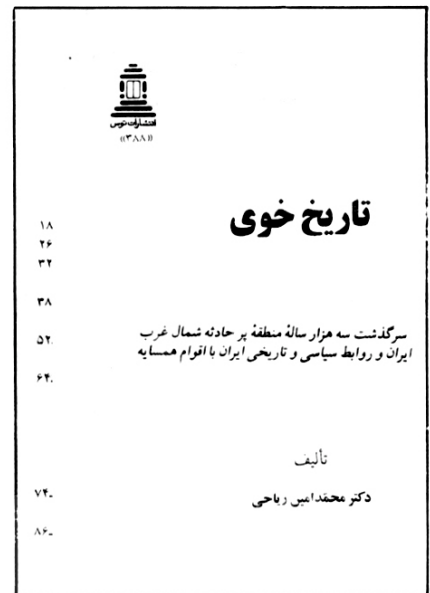
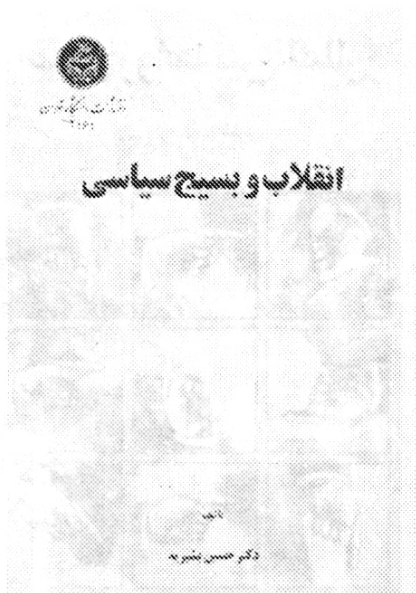
در بسیاری از موارد برای روشن ساختن کژیهای «کژراهه» به نوشته‌های ملکی و آل احمد و نشریات نیروی سوم استناد شده که مورد قبول مدعی نیست، در صورتی که نویسنده «بیراهه» می‌توانست به اسناد و مدارک مورد قبول مدعی (هر چند فاقد ارزش) و یا نوشته افراد بیطرف استناد نماید، کما این که در بسیاری از موارد چنین کرده است.

در این زمینه مدارک بسیار ارزنده‌ای مورد توجه قرار نگرفته و به آنها اشاره‌ای نشده است؛ به عنوان مثال در چند جای کتاب نام صادق هدایت نویسنده معاصر ایران ذکر گردیده ولی کنایات و اشارات هدایت به طبری و همفکرانش نقل نشده است. هدایت در «پیام کافکا» طبری را در شمار مشاطگانی می‌آورد که «سرخاب و سفیداب به چهره بت بزرگ قرن بیستم (استالین) می‌مانند»

سخن در مورد «بیراهه» و «کژراهه» بسیار است.

فرصتی بسیار می‌خواهد که هر دو اثر را پیش رو بکشانیم و برگ برگ آنها را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. اما این نکته را نباید ناگفته گذاشت که نویسنده «بیراهه» با تلاش و کوشش صادقانه خود و استفاده از مدارک و اسناد بسیار در مجموع اثری ارزنده به تاریخ سیاسی معاصر ایران تقدیم کرده است. این اثر را نباید صرفاً پاسخ به «کژراهه» دانست بلکه خود می‌تواند سندی معتبر از رویدادهای سیاسی ایران باشد.

■ دکتر سید جواد حسینی



■ انقلاب و بسیج سیاسی

تألیف: دکتر حسین بشیریه
انتشارات دانشگاه تهران
چاپ اول - ۱۳۷۲

■ سیاوش بر آتش

نگارش: دکتر مصطفی رحیمی
شرکت سهامی انتشار
چاپ اول - ۱۳۷۱

■ تاریخ خوی

تألیف: دکتر محمد امین ریاحی
انتشارات توس
چاپ اول - ۱۳۷۲

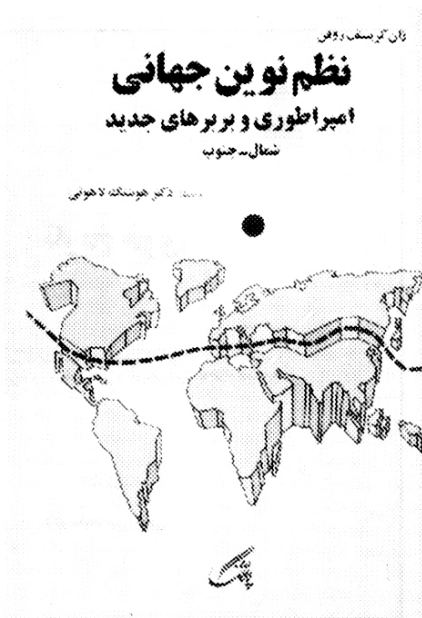
چه رها چه بسته مرغی که پرش بریده باشد
چه خوش است حال مرغی که قفس ندیده باشد
چه نکوتر آنکه مرغی ز قفس بریده باشد
پر و بال ما بریدند و در قفس گشودند
چه رها چه بسته مرغی که پرش بریده باشد
من از آن یکی گزیدم که به جز یکی ندیدم
که میان جمله خوبان به صفت گزیده باشد
من اگر چه بر درختم ولی آن سیاه بختم
که رسیده باغبان و ثمری نچیده باشد
به جز آن کشیده ابرو که خمیده در جوانی
نشیده‌ام جوانی که قدش خمیده باشد
عجب از حبیبم آید که ملول مینماید
نکند که از رقیبان سخنی شنیده باشد
اگر از کسی رسیده است بدی به ما بماند
بکسی مباد از ما که بدی رسیده باشد
سخنی به طرز نوکن مگر آیه گشته نازل
که سخن همیشه «سرمد» غزل و قصیده باشد
نرسد رقیب «سرمد» به غزلسرائی تو
که به لطف طبع و قدرت چو تو کس ندیده باشد.

توضیح در مورد غزلی از شادروان
(صادق سرمد)

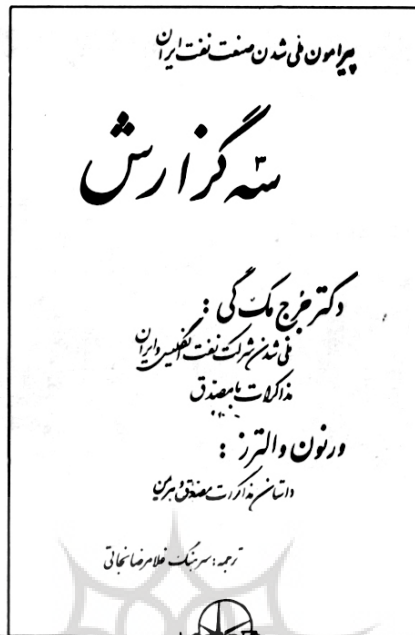
● در معرفی کتاب «حافظ اندیشه» نوشته آقای دکتر مصطفی رحیمی که در شماره ۷۴-۷۳ این نشریه درج شد، معرف کتاب شعری را از شادروان «صادق سرمد» مصداق سخن قرار داده بود با این پندار که سروده‌ای از ملک الشعراء بهار است.

آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، محقق و نویسنده ارجمند، با اشاره به این نکته، توضیح داده‌اند که همه ابیات غزل مورد بحث در صفحه ۳۳۶ دیوان اشعار مرحوم صادق سرمد و همچنین در جلد دوم «نگین سخن»، تألیف «رفیع»، صفحه ۱۸۳، به چاپ رسیده است.

سروده شادروان صادق سرمد به این شرح است:



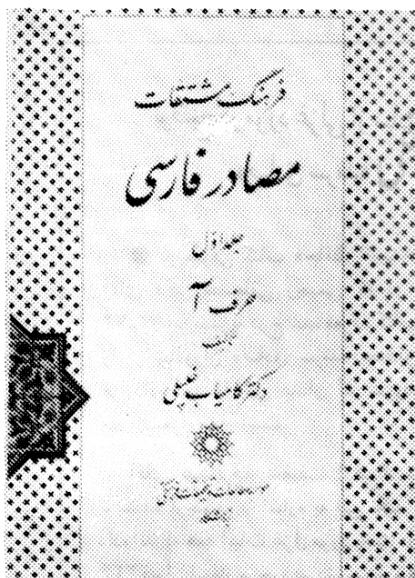
■ نظم نوین جهانی
نوشته: ژان کریستف روفن
ترجمه: دکتر هوشنگ لاهوتی
نشر بازننگ
چاپ اول - بانیز ۱۳۷۱



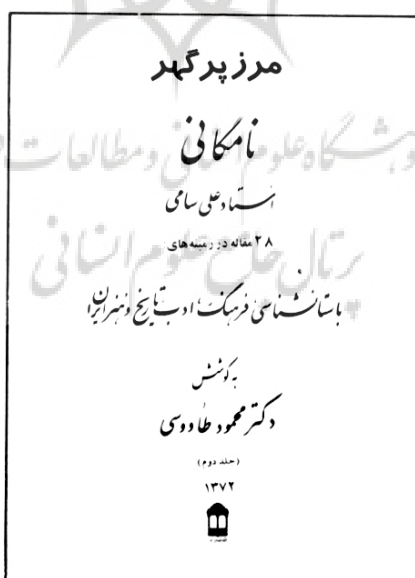
■ سه گزارش
دکتر جرج مک گی
ورنون والترز
ترجمه: سرهنگ غلامرضا نجاتی
شرکت سهامی انتشار



■ اصول روابط بین الملل
نوشته: دکتر هوشنگ عامری
مؤسسه انتشارات آگاه
چاپ اول - زمستان ۱۳۷۰



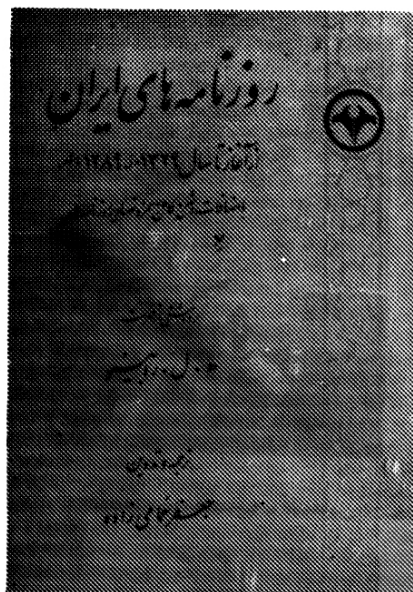
■ فرهنگ مشتقات
مصادر فارسی
تألیف: دکتر کامیاب خلیلی
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
چاپ اول - ۱۳۷۱



■ مرز پرگهر
استاد علی سامی
به کوشش دکتر محمود طاووسی
انتشارات نوید شیراز
جلد دوم (چاپ اول - ۱۳۷۲)



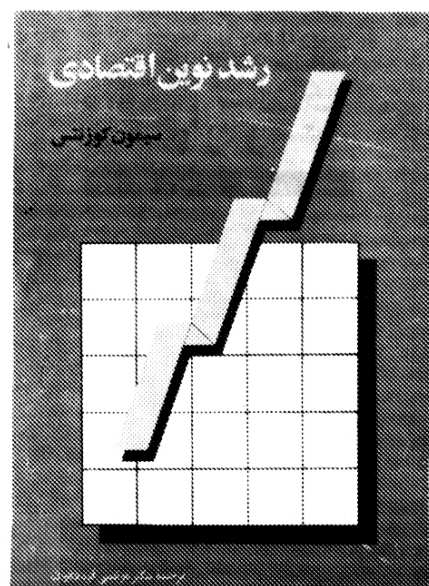
■ خارج از کنترل
نوشته: زی بیگینیو برژینسکی
ترجمه: دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم
انتشارات اطلاعات
چاپ اول - ۱۳۷۲



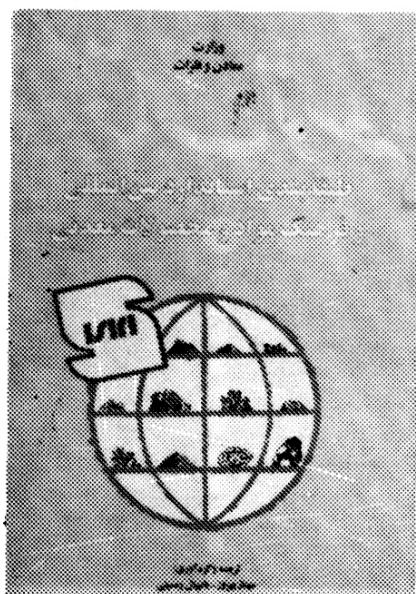
■ روزنامه‌های ایران
ه. ل. رابینو
ترجمه و تدوین: جعفر خمایی زاده
انتشارات اطلاعات
چاپ اول - ۱۳۷۲



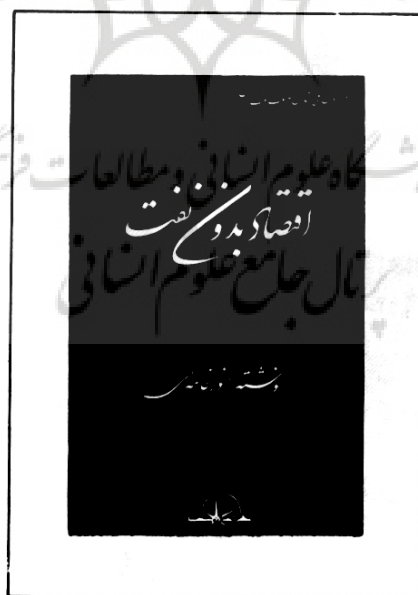
■ نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل
نوشته: جیمزدونرتی - رابرت فالتزگراف
ترجمه: علیرضا طیب - وحید بزرگی
نشر قومس
چاپ اول - ۱۳۷۲



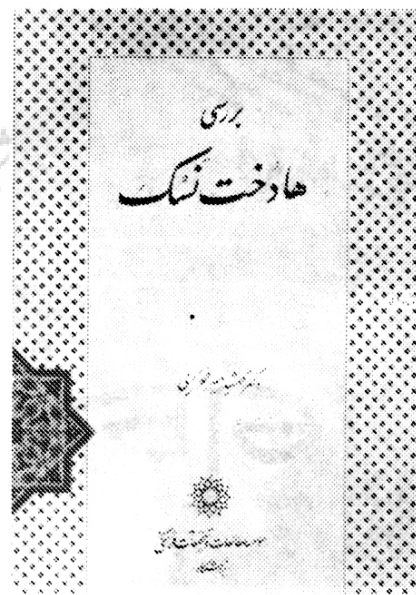
■ رشد نوین اقتصادی
نوشته: سیمون کوزنتس
ترجمه: دکتر مرتضی قره باغیان
مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
چاپ اول - ۱۳۷۲



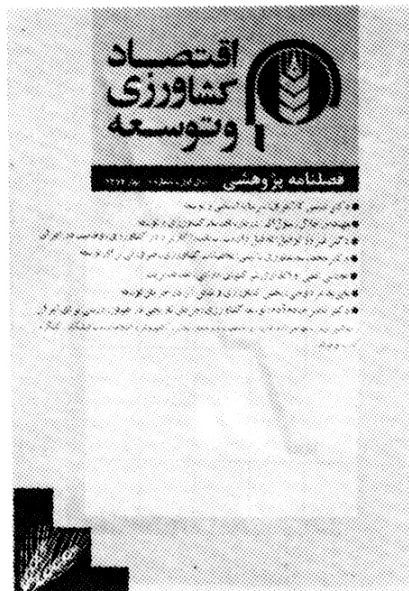
■ طبقه‌بندی استاندارد
فرهنگ مواد و محصولات معدنی
ترجمه و گردآوری: مهناز بهروز - بانیهال رمسینی
وزارت معادن و فلزات



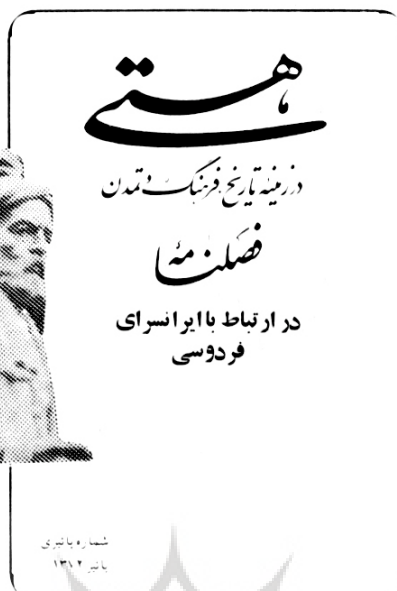
■ اقتصاد بدون نفت
نوشته: انور خامه‌ای
شرکت سهامی انتشار
چاپ اول



■ بررسی هادُخت نَسک
دکتر مهشید میرفخرانی
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
چاپ اول - ۱۳۷۱



■ اقتصاد کشاورزی و توسعه
فصلنامه پژوهشی
شماره ۳
پائیز ۱۳۷۲



■ فصلنامه هستی
در زمینه تاریخ، فرهنگ و تمدن
شماره پانزدهم
پائیز ۱۳۷۲



انتفاضه: حماسه مقاومت فلسطین
نوشته: جمیله کدیور
انتشارات اطلاعات
چاپ اول - ۱۳۷۲



■ گفتگو
فصلنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۲
دیماه ۱۳۷۲



■ فرهنگ توسعه
شماره ۹
آذر و دی ۱۳۷۲



■ کتاب توسعه
نشر توسعه
جلد پنجم
پائیز ۱۳۷۲

راهنمای درخواست اشتراك

اگر خواهان اشتراك نشریه هستید:

- فرم اشتراك را كامل و خوانا پر كنيد. از باسرخ دادن به فرم‌های ناخوانا معذوريم
- حق اشتراك را به حساب ۹۷۰۰ بانك صادرات، شعبه فردوسی «۳ تهران» (قابل پرداخت در كلیه شعب بانك صادرات و بانك‌های استان) واريز كنيد.

- كپی فیش بانکی را تا پایان دوره اشتراك، نزد خود نگاهداريد.
- از فرستادن وجه نقد بابت اشتراك، خودداری كنيد.
- در صورتی كه قبلاً مشترك بوده‌اید، شماره اشتراك را در فرم تجدید اشتراك قید كنيد.
- بریده یا كپی فرم تکمیل شده را همراه با اصل فیش بانکی حق اشتراك با پست سفارشی به نشانی زیر بفرستيد:

تهران - خیابان خیام - مؤسسه اطلاعات - دبیرخانه - بخش آبونمان - صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۹۳۶۵

■ حق اشتراك سالانه (برای ۱۲ شماره پیاپی):

داخلی ۷۰۰۰ ریال

خارج از کشور ۱۵۰۰۰ ریال

- اساتید دانشگاهها، آموزگاران، دانشجویان و دانش‌آموزان می‌توانند با فرستادن كپی کارت شناسائی معتبر (پشت و روی کارت) و یا معرفی‌نامه از محل کار یا تحصیل، از اشتراك نیم‌بها استفاده كنند.
- برای تهیه شماره‌های گذشته به تكفروشی روزنامه اطلاعات (تلفن ۳۲۸۳۰۷) و یا واحد فروش «انتشارات اطلاعات» واقع در خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران (تلفن ۶۴۰۹۴۳۹) مراجعه فرمایيد.

■ توجه:

موارد زیر را در ساعت‌های اداری با شماره تلفن ۳۲۸۲۶۵ (بخش آبونمان) در میان بگذاريد:

- تغییر نشانی.
- نرسیدن نشریه تا يك هفته پس از انتشار آن.

برگه درخواست اشتراك

در این قسمت حتماً بنویسید

شماره اشتراك

به مبلغ بابت حق اشتراك يك ساله

«اطلاعات سیاسی - اقتصادی» ارسال می‌شود.

قبلاً مشترك بوده‌ام شماره اشتراك قبلاً مشترك نبوده‌ام

نام و نام خانوادگی نام شرکت / مؤسسه

نام خانوادگی

نام خانوادگی

سن تحصیلات شغل

نشانی

کدستی صندوق پستی تلفن

تاریخ و امضاء



Ettela'at
Siasi - Eghtesadi

Vol. 8 - Nos 3-4- serial 75-76
(December - January)
Founder: Ettela'at Institute
Editor - in Chief: Mehdi Besharat
Address:
Ettela'at Building
Khayam Ave.
Tehran - Iran
P. C. 11144
Tel: 328460 - (subscription) 328265
Fax: 3111223

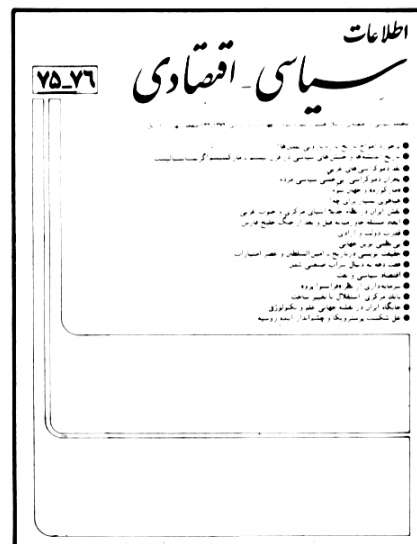


Table of Contents

● In search of which Confrontation? *Dr. M. A. Eslami Nodushan*

● Clash of Civilizations or Waves of History? *Alvin Toffler*

● Existentialist Marxism *Dr. Hosein Bashiriyeh*

● Western Democracies: A Critical View *Dr. Ahmad Naghibzadeh*

● Marcuse and the Third World *Dr. Mahmood Ketabi*

● Why so much Up roar? *Dr. Daryush Akhavan Zanjani*

● Iranian Status in the Emerging System of South-Western and Central Asia *Roya Montazami*

● Dimensions of the Middle East Problem *Nadav Safran*

● Power and the State *Paul Ricoeur*

● The New World Disorder *Benedict Anderson*

● Truthfulness in Historiography *Dr. Ebrahim Teymouri*

● J. Aal- Ahmad and the Concept of Development *Hosein Ghazian*

● The First Movement of Republicanism in Iran *Behrooz Goudarzi*

● Seven Decades in pursuit of Industrialization *Dr. Ebrahim Razzaghi*

● The Political Economy of Iran's Oil Policy *Dr. Hooshang Amirahmadi*

● F. Perroux and the Meaning of Capitalism *Dr. Mostafa Rahimi*

● The Central Bank: Independence or Structural Alteration?

● The Direction of Soviet Economic Reform *David Kotz*

● In memory of the Father of Economics in Iran *Dr. Ahmad Ketabi*